

مقاله پژوهشی

نگاه روایی ملاصدرا در موضوع حدوث و قدم نفس در کتاب *النفس اسفار اربعه*

احمد ربانی خواه^۱، سیدمحمد حسینی نژاد^۲

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛ rabbani_kh@pnu.ac.ir

۲. کارشناس ارشد فلسفه، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۰۱/۰۴/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۵

Mulla Sadra's Narrative View on the Subject of the Recency and Antiquity of the Soul in the Book *Al-Nafs Asfar Arba'a*

Ahmad Rabbanikhah¹, Seyed Mohammad Hosseinnejad²

1. Assistant Professor of the Department of Quran and Hadith Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran

(Corresponding Author); rabbani_kh@pnu.ac.ir

2. Master of Philosophy, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

(Received: 16/Nov/2021

Accepted: 12/Jul/2022)

Abstract

Hadith and philosophy are two sciences among Islamic sciences that due to fundamental differences in the way of accepting their propositions, Muslim thinkers have paid less attention to these two. Philosophy, of both the peripatetic and the Enlightenment, has dealt with rational and intuitive principles among Muslims and has relied less on the movables left by the Holy Prophet (PBUH) and the infallibles. This article focuses on Mulla Sadra's narrative view on the subject of "novelty and antiquity of the soul" in the book *Al-Nafs Asfar Arba'a*. Analyze the strengths and weaknesses of his narrative arguments in the novelty and antiquity of the soul to sit on scientific judgment in this regard. Due to the small number of sources that have used narrative propositions in philosophical studies, less research has been done in this field.

Keywords: Origin and Antiquity of the Soul, The Book *Al-Nafs*, Hadith Studies, Mulla Sadra, Narrative Evidences, Validation of Narrations.

چکیده

موضوع حدوث و قدم نفس از مباحث پربسامد اندیشه فلسفی است که بیشینه فیلسوفان مسلمان بدان پرداخته‌اند. اندیشه‌وران اسلامی به رسم دیرین و با باور به درستی گزاره‌های دینی منقول در سنت روایی پیشوایان، در مواردی پرشمار، «استشهاد نقلی» را به عنوان دلیل یا شاهد مدعای فلسفی خویش برگرفته‌اند. ملاصدرا در نگاه به مباحث فلسفی از زاویه دید حکمت متعالیه می‌کوشد با توجه ویژه به روایات منقول، موازنه‌ای میان استدلال عقلی و شواهد نقلی برقرار نماید. این نوشتار با تمرکز بر نگاه روایی ملاصدرا در موضوع «حدوث و قدم نفس» در کتاب *النفس اسفار اربعه* بر آن است تا با بررسی اعتبار سندی روایات این موضوع و تحلیل مضمونی آنها در آن کتاب، تصویری روشن از نگاه روایی این حکیم متأله ارائه دهد و با تحلیل موارد قوت و ضعف استدلال‌های روایی وی در حدوث و قدم نفس به داوری علمی در این باره بنشیند.

واژگان کلیدی: حدوث و قدم نفس، کتاب *النفس*، حدیث‌شناسی، ملاصدرا، شواهد نقلی، اعتبارسنجی روایات.

مقدمه

حدیث و فلسفه دو دانش در میان دانش‌های اسلامی است که به دلیل اختلافات مبنایی در نحوه پذیرش گزاره‌های آنها، اندیشمندان مسلمان کمتر این دو را با هم مورد توجه قرار داده‌اند. فلسفه، از هر دو گونه مشائی و اشراقی، در میان مسلمانان با مبانی عقلی و شهودی سروکار داشته و کمتر به منقولات برجای مانده از پیامبر اکرم (ص) و معصومان تکیه داشته است. یکی از مبانی دانش حدیث، عصمت پیشوایان دین و دور بودن ایشان از گناه و خطا است، از این رو با اطمینان از صحت صدور قول، فعل و تقریری از معصوم، آن گزاره پذیرفته می‌شود. با این توصیف به نظر می‌رسد نتوان میان این دو علم به دلیل اختلاف مبنایی، آشتی برقرار کرد. واقع آن است که میان دانشمندان مسلمان مستقلاً و به حد کفایت به هر دو علم توجه و دقت شده، اما به تطبیق و مقایسه میان خروجی‌ها و گزاره‌های این دو دانش کمتر عنایت شده است. با این همه صدرالدین محمد شیرازی، فیلسوف بزرگ قرن یازدهم و پایه‌گذار حکمت متعالیه، در تمامی آثار خود پس از طرح هر مبحث فلسفی، بخشی را به آیات و روایات مرتبط اختصاص می‌دهد. یکی از این آثار، کتاب *الحکمه المتعالیه فی الأسفار العقلیه الأربعة* است. در نوشتار حاضر، به اختصار از این اثر با عنوان «*سفار*» یا «*سفار اربعه*» و از مؤلف آن با عنوان «ملاصدرا» یا «صدرالمتألهین» نام خواهیم برد.

حدوث و قدم نفس یکی از مباحث بسیار مهم و کلیدی در فلسفه و کلام اسلامی و به ویژه در منظومه فکری ملاصدرا است. او نفس را با اصطلاح «جسمانیه الحدوث و روحانیه البقاء»

توصیف می‌کند. وی در کتاب *النفس* و دیگر قسمت‌های *اسفار* به تشریح چگونگی حدوث نفس از طریق جسم و سپس بقای آن پس از مرگ می‌پردازد. ملاصدرا در کتاب *النفس* و در همین موضوع، به سه روایت استناد می‌کند که مضمون دو روایت به طور صریح به وجود نفس پیش از بدن اشاره دارد که در مباحث فلسفی از آن به «قدم» یاد می‌شود.

در این مقاله تلاش خواهد شد با بررسی سندی و تحلیل مضمونی روایات مندرج در کتاب *النفس اسفار اربعه*، به نوع و شیوه استفاده از روایات و نکات قوت و ضعف آن پرداخته شود. گفتنی است که به دلیل کم‌شمار بودن منابعی که در بررسی‌های فلسفی از گزاره‌های روایی استفاده کرده‌اند، پژوهش در این حوزه کمتر صورت گرفته است.

۱. روش بررسی سند و اعتبار احادیث

در بررسی سند و اعتبار روایات *اسفار* به دو گرایش عمده حدیثی شیعه و اهل سنت توجه می‌شود و اعتبار روایات از منظر این دو گروه سنجیده خواهد شد. از آنجا که بررسی شرح حال رجالی تک تک راویان اسناد در حوصله و هدف این مقاله نیست، به این کار نپرداخته و اعتبار اسناد را از منابع معتبر رجالی شیعه و اهل سنت استخراج کرده‌ایم.

۲. روش تحلیل مضمون احادیث

در این بخش که مهم‌ترین بخش بررسی هر روایت است، با مدد از منابعی که عین الفاظ یا مضمون روایت را نقل کرده‌اند، به تحلیل مضمون روایت و نقد شیوه استفاده ملاصدرا از آن پرداخته‌ایم. برای

پایه عبارات صدرالمثلهین در این بخش، نفس، جسمانیه الحدوث است. (همان: ۹/ ۳۳۱-۳۳۲) ملاصدرا در این فصل دو گروه قائلین به حدوث نفس را که شامل ارسطو، مشائیان متأخر و پیروان آنها می‌شود و قائلین به قدم نفس که شامل افلاطون و پیروان اوست، مقابل هم قرار می‌دهد و از آنجایی که وی خود را جزو گروه اول می‌داند، ابتدا به احتجاجات گروه دوم می‌پردازد و به آن پاسخ می‌دهد، سپس دلایل گروه اول را برمی‌شمارد و از آن دفاع می‌کند. (همان: ۹/ ۳۳۲)

در فصل سوم از باب هفتم با عنوان «فی ایضاح القول فی هذه المسئلة المهمه و تعقیب ما ذکروه و هدم ما أصلوه» به ادامه مباحث حدوث و قدم نفس می‌پردازد و همان‌گونه که خود در ابتدای این فصل بیان می‌دارد، این بحث دقیق و عمیق است. به همین دلیل میان فلاسفه پیشین در این باب اختلاف افتاده است: «اعلم أن هذه المسئلة دقیقه المسلك بعیده الغور ولذک وقع الاختلاف بین الفلاسفة السابقین فی بابها». (همان: ۹/ ۲۴۹-۲۵۰) فراتر از این، پاره‌ای از روایات در کتب حدیثی به لحاظ لفظی و مضمونی مشابهت‌هایی با این روایت دارند. (مجلسی، ۱۹۸۳م/ ۱۴۰۳ق: ۱۶/ ۴۰۲؛ ابن شهرآشوب، مازندرانی، ۱۳۷۶ق/ ۱۹۵۶م: ۱/ ۱۸۳-۱۸۴؛ عجلونی، ۱۹۸۸م/ ۱۴۰۸ق: ۲/ ۱۲۸-۱۳۰)

۱-۱. اعتبارسنجی روایت در منابع شیعه و اهل سنت (الف) منابع شیعه

در بحار الانوار، دایره‌المعارف حدیثی شیعه، این روایت با همین الفاظ و مشابهات آن، بیش از ده

این کار، در آغاز به کیفیت نقل روایت در اسفار و دیگر تالیفات ملاصدرا پرداخته‌ایم. این گام ما را با فضای بحث، نحوه استدلالات و چگونگی استشهاد و دلالت روایات آشنا می‌سازد و افزون بر این، ابهامات موجود در نحوه دلالت برای برخی روایات را برطرف می‌کند.

گام دیگر، استفاده از روایات مشابه مضمونی و لفظی و هم‌خانواده‌های حدیث در دیگر منابع حدیثی است. در این مرحله، مشابهات لفظی و مضمونی با استفاده از نرم‌افزار استخراج شده است و از این رهگذر، ابهامات و کاستی‌های موجود در برداشت و استدلال روایی ملاصدرا مشخص می‌شود.

بررسی روایات در موضوع حدوث و قدم نفس
در موضوع حدوث و قدم نفس در کتاب النفس اسفار اربعه ملاصدرا سه روایت بیان و مورد استشهاد قرار گرفته است.

۱. حدیث نخست: «كنت نبياً وأدم بين الماء والطين»

این حدیث با همین الفاظ در سه جای کتاب النفس اسفار و در مباحث مربوط به حدوث و قدم نفس مطرح شده است:

نخستین بار در فصل اول از باب ششم و در بیان تجرد نفس ناطقه انسانی و کیفیت حدوث آن آمده است. (ملاصدرا، ۱۹۸۱م: ۹/ ۳۱۸) بحث اصلی این فصل تجرد نفس است و روایت مذکور به صورت معترضه بیان شده است. دومین بار در فصل دوم از باب هفتم به مناسبت موضوع حقیقت نفوس بشری به این روایت اشاره شده است. بر

بار تکرار شده، ولی در هیچ کدام اشاره‌ای به سند حدیث نشده است و اکثراً با عنوان خبر مشهور از آن یاد شده است. (مجلسی، ۱۹۸۳م/۱۴۰۳ق: ۱۸/۲۷۸)

علامه امینی در الغدیر این روایت را متواتر دانسته است، ولی شواهد یا دلایلی برای این ادعا نیآورده است. به نظر می‌رسد ایشان بر پایه پژوهش در منابع اهل سنت به این نتیجه رسیده است. (علامه امینی، ۱۳۸۷ق/۱۹۶۷م: ۷/۳۸) میرداماد در *الرواشح السماویة*، به جعلی بودن این روایت حکم داده و این کتاب تنها منبعی است که آشکارا درباره این روایت قضاوت کرده، هرچند اسناد و مدارک مثبتی ارائه نداده است:

ومما یجری فی کلام الناس معزوا إلی النبی (صلی الله علیه وآله وسلم) قولهم: «إذا رویت عنی حدیثاً فاعرضوه علی کتاب الله فإن وافق فاقبلوه وإن خالف فردوه». وقال الخطابی فی معالم السنن: هذا حدیث وضعته الزنادقة، ویدفعه قوله (صلی الله علیه وآله وسلم): «إنی قد أوتیت الکتاب وما یعدله». ویروی: «أوتیت الکتاب ومثله معه». ومنه قولهم: «علیکم بدین العجائز» و «کنت نبیا و آدم بین الماء والطين». (میرداماد، ۱۴۲۲ق/ ۱۳۸۰ش: ۲۸۷)

کوتاه سخن آنکه، نگاه اندیشه‌وران شیعی به این روایت، به جز *الرواشح السماویة*، نگاه تصحیحی است و بیشینه ایشان در صحت صدور آن از پیامبر (ص) تردیدی ندارند.

ب) منابع اهل سنت

در کتاب *سبل الهدی و الرشاد*، از منابع سیره پیامبر (ص)، درباره مدارک و اسناد این روایت - نه با این الفاظ که با مشابهاات - توضیحات مفصلی آمده

است. در این کتاب، روایاتی با این مضمون از منابع حدیثی معتبر اهل سنت مانند مسند احمد بن حنبل و مستدرک حاکم نیشابوری به همراه راویان آن معرفی شده است. با بررسی جداگانه منابع ارائه شده توسط صالحی شامی در *سبل الهدی و الرشاد* صحت و درستی آنها به دست می‌آید، اما مؤلف هنگام ارائه اسناد روایت و اذعان ضمنی به صدور روایت از پیامبر (ص)، مدلول نهفته در روایت (خلق روح پیش از ایجاد بدن) را نقد می‌کند.^۱ در مجموع با مدارک و منابعی که وی ارائه می‌دهد، در صحت صدور آن از نگاه اهل سنت تردیدی وجود ندارد. در این متن، راویان و منابع این روایت با اندازه درشت‌تر متمایز شده است:

الباب الثالث فی تقدم نبوته صلی الله علیه وسلم علی نفع الروح فی آدم صلی الله علیهما وسلم عن عبد الله بن عمرو رضی الله تعالی عنهما، عن النبی صلی الله علیه وسلم أنه قال: «إن الله عز وجل كتب مقادیر الخلق قبل أن یخلق السماوات والأرض بخمسين ألف سنة» (وكان عرشه علی الماء). رواه مسلم. زاد صاحب اللطائف: ومن جمله ما کتب فی الذکر وهو أم الکتاب: أن محمداً صلی الله علیه وسلم خاتم النبیین. وعن العرباض - بکسر العین المهمله - ابن ساریه رضی الله تعالی عنه عن النبی صلی الله علیه وسلم قال: «إنی عند الله فی أم الکتاب لخاتم النبیین، وإن آدم لمنجدل فی طیته». رواه الإمام أحمد والحاکم وصححه. قال الطیبی فی شرح المشکاه: «[...] فعن میسرة - بفتح المیم وسکون المثناة التحتیه - الفجر - بفتح الفاء وسکون الجیم -

۱. برای بررسی بیشتر موضوع، بخش بررسی مضمون حدیث در این مقاله را بنگرید.

اشاره دارد، پیش از بررسی مدلول روایت به بررسی محتوای روایت در کتب فلسفی، عرفانی و کلامی می‌پردازیم. با پی‌جویی در نرم‌افزار کتابخانه اهل بیت، این روایت با همین الفاظ در ۶۳ مجلد و با مشابهات لفظی در ۲۴۰ مجلد دیده می‌شود. این آمار نشان‌دهنده اهمیت بالای مضمون این روایت در مباحث اعتقادی، کلامی و فلسفی است. این منابع غیرحدیثی در پنج دسته جای می‌گیرند:

۱-۲-۱. دسته نخست: بدون ذکر سند روایت

در برخی منابع بدون آنکه ذکر از سند به میان آید، این حدیث - و احادیث مشابه - پذیرفته شده است و بعضاً مبنای برخی اعتقادات مؤلف قرار گرفته است. بیشترین آمار نتایج جست‌وجو که در بالا از آن یاد شد، مربوط به همین دسته است. از جمله این منابع، آثار فکری و قلمی ابن عربی است که در اینجا دو نمونه به تفصیل و دیگر موارد اشاره‌وار ارائه می‌شود:

الف) الفتوحات المکیه

الفتوحات المکیه از عبدالله بن محمدعلی، معروف به ابن عربی یکی از مهم‌ترین کتب عرفانی شناخته شده است. به دلیل آوازه این اثر و هم به این دلیل که در میان سایر کتب فلسفی، عرفانی و کلامی بیشترین اشاره به حدیث در این کتاب دیده می‌شود، در این بحث اهمیت ویژه‌ای دارد.

روایت با عین عبارت ۱۰ بار در چهار جلد الفتوحات تکرار شده است. در جلد اول ۳ بار، در جلد دوم ۲ بار، در جلد سوم ۳ بار و در جلد چهارم ۲ بار تکرار وجود دارد. در تمامی موارد بدون ذکر سند، روایت بیان و شرح شده است.

رضی‌الله تعالی عنه قال: «یا رسول الله، متی کنت نبیا؟ قال: «وآدم بین الروح والجسد». رواه الإمام أحمد والبخاری فی تاریخه والحاکم وصححه. قال الإمام أحمد فی روایه منها: وبعضهم یرویه متی کتبت من الکتابه؟ قال: «کتبت نبیا وادم بین الروح والجسد». رواه ابن عساکر فتحمل هذه الروایه مع حدیث العرباض السابق علی وجوب نبوته صلی الله علیه وسلم وثبوتها وظهورها فی الخارج، فإن الکتابه إنما تستعمل فیما هو واجب شرعا کقوله تعالی: (کتب علیکم الصیام) أو قدرا کقوله تعالی: (کتب الله لأغلبن أنا ورسلی). وعن أبی هریره رضی الله تعالی عنه قال: قالوا یا رسول الله متی وجبت لک النبوه؟ قال: «وآدم بین الروح والجسد». رواه الترمذی وحسنه. وعن الصنا بحی مرسلًا - وهو بضم الصاد المهمله وفتح النون وكسر الموحده ومهمله - عن عمر بن الخطاب رضی الله تعالی عنه أنه قال: یا رسول الله متی جعلت نبیا؟ قال: «وآدم بین الروح والجسد». رواه أبو نعیم. وروی الأجرى فی کتاب الشریعه، عن سعید بن أبی راشد قال: سألت عطاء رحمه الله تعالی: هل کان النبی صلی الله علیه وسلم نبیا قبل أن یخلق الخلق؟ قال: إی والله وقبل أن تخلق الدنیا بألفی عام. قال الحافظ ابن رجب: عطاء هذا الظاهر أنه الخراسانی، [...] (صالحی شامی، ۱۹۹۳م/۱۴۱۴ق: ۱/۷۷-۸۲)

عجلونی نیز در کتاب حدیثی خود به اسناد و اعتبار این روایت پرداخته و تقریباً اسناد کتاب سبیل الهدی والرشاد را آورده است. (عجلونی، ۱۹۸۸م/۱۴۰۸ق: ۲/۱۲۸-۱۳۰)

۲-۱. بررسی مضمون حدیث در منابع غیر روایی

از آنجا که مضمون روایت به موضوعات مختلفی

با اینکه یکی از پایه‌های نقلی موضوع «حقیقت محمدیه» روایت «كنت نبياً وأدم بين الماء والطين» است، ابن عربی در ۱۰ مورد که متن روایت را *الفتوحات المکیه* نقل می‌کند، مستقیماً به «حقیقت محمدیه» اشاره نمی‌کند و از مضمون و نتیجه مباحث در بخش‌های مختلف بدون اشاره به روایت، این بحث را مطرح می‌کند. بحث وجود نفس پیامبر (ص) پیش از خلقت دیگر موجودات یا همان «حقیقت محمدیه» تنها در سه مورد بیان شده است. (ابن عربی، بی تا: ۲/ ۱۰۸، ۳/ ۴۴۴، ۴/ ۵۸)

ب) شرح فصوص الحکم

عین این روایت ۵ بار در شرح *فصوص الحکم* تکرار شده است. دو مورد در پاورقی آمده و همان مضامینی است که در *فتوحات* ذکر شده و سه مورد در متن. در بیشتر موارد حدیث در قالب یک بحث جانبی مطرح شده و مورد بحث مستقیم نبوده است. (قیصری رومی، ۱۳۷۵ش: ۴۶۶-۴۶۷)

۱-۲-۲. دسته دوم: اشاره ضمنی به روایت

دسته دوم شامل منابعی است که اشاره ضمنی به این حدیث کرده است و تلویحاً به صحت مضمون حدیث اذعان دارد. در این منابع روایت به صورت مستقیم به بحث گذاشته نشده است و استطراداً و استشهداً ضمن مباحث دیگر به این روایت نیز اشاره شده است. نمونه زیر از این گونه است:

والجواب: أن کون آدم علیه السلام مسجوداً للملائکه لا یوجب أن یکون أفضل من محمد علیه السلام، بدلیل قوله صلی الله علیه وسلم: «آدم ومن دونه تحت لوائی یوم القیامه» وقال: «کنت نبیا وأدم

گفتنی است برخلاف نظر ملاصدرا در باب «جسمانیه الحدوث بودن نفس»، وی به «قدمت نفس» باور دارد، آن گونه که در بسیاری از موارد، در کنار این روایت به روایات دیگری اشاره می‌کند.

یکی از بحث‌های مهم در منظومه فکری ابن عربی که پیوند مستقیمی با مضمون این روایت دارد، «حقیقت محمدیه» است. عنوان نخستین فصل از *فصوص الحکم*، اثر دیگر ابن عربی، «حکمت الهی در کلمه آدم» است. به باور ابن عربی، خداوند عالم را که واجد همه اشیاء است، خلق کرد و در خلق آدم روحش را در او دمید. عالم تا پیش از خلقت آدم مثل آینه صیقل نخورده بود. در نگاه ابن عربی، تمامی عالم یعنی تمامی ذوات موجود، اسماء الهی را جلوه‌گری می‌کنند، اما به نحو کثرت‌گونه، در حالی که انسان عالمی صغیر است، خداوند آگاهی را در او بالقوه به ودیعت گذاشته تا بتواند کثرات عالم را به صورت واحد ببیند، اما به دلیل تفاوت درجات صافی و صیقلی آئینه عالم، تنها انبیا و اولیای الهی ذات ازلی خود را می‌بینند و حضرت محمد (ص) انسان کامل آنهاست. ابن عربی در این اثر استدلالش را بر همین حدیث پیامبر استوار می‌کند. وی این دیدگاه را این‌گونه توضیح می‌دهد که حقیقت محمدیه همان عقل اول است. رسالت پیامبران دیگر، مأموریت تاریخی بوده است که هر کدام حامل بخشی از حقیقت محمدیه در زمان و مکان خاص بوده‌اند؛ هر کدام از انبیا نگینی هستند که عقل الهی در آن تجلی پیدا کرده است. مأموریت پیامبران الهی با اعمال نفوذ اولیای الهی، که میراث معنوی پیامبران هستند، ادامه پیدا می‌کند.

است، الرواشح السماویة میرداماد است. میرداماد در باب «الکتب المصنفة فی الأحادیث الموضوعه» با عنوان «احادیث موضوعه فی کتاب الشبهات للقضاعی» بر خلاف عمده منابعی که احادیث در آنها با عین الفاظ آمده است، به طرح استترادی این روایت پرداخته است و آن را در زمره روایات جعلی می‌داند:

ومما یجری فی کلام الناس معزوا إلى النبی (صلی الله علیه وآله وسلم) قولهم: «إذا رویتم عنی حدیثا فاعرضوه علی کتاب الله فإن وافق فاقبلوه وإن خالف فردوه». وقال الخطابی فی معالم السنن: هذا حدیث وضعته الزنادقه، ویدفعه قوله (صلی الله علیه وآله وسلم): «إنی قد أوتیت الکتاب وما یعدله». ویروی: «أوتیت الکتاب ومثله معه». ومنه قولهم: «علیکم بدین العجائز» و «کنت نبیا و آدم بین الماء والطين». (میرداماد، ۱۴۲۲ق/ ۱۳۸۰ش: ۲۸۷)

۱-۲-۵. دسته پنجم: پذیرش مضمون روایت و توجیه آن این دسته منابع، روایت را به صورت مستقیم رد نکرده‌اند، اما از آنجا که وجود نبوت را منحصر در خلق جسمانی پیامبر (ص) می‌دانند، ضمن پذیرش مضمون حدیث به توجیه آن پرداخته‌اند. این گروه از منابع، همانند ملاصدرا با این روایت برخورد کرده‌اند:

وقوله علیه الصلاة والسلام: «کنت نبیا و آدم بین الماء والطين» اشاره إلى هذا أيضا وانه لم یسأ سبحانه خلق آدم إلا لیتترع الصافی من ذریته ولم یزل یتصفی تدریجا إلى أن بلغ کمال الصفاء، ولا یفهم هذا إلا بأن یعلم أن للدار مثلا وجودین وجودا فی ذهن المهندس حتی کأنه ینظر إلى صورتها و وجودا خارج الذهن مسببا عن الوجود

بین الماء والطين» ونقل أن جبریل علیه السلام أخذ برکاب محمد صلی الله علیه وسلم لیله المعراج، وهذا أعظم من السجود، وأیضا أنه تعالی صلی بنفسه علی محمد، وأمر الملائکة والمؤمنین بالصلاة علیه، وذلك أفضل من سجود الملائکة. (رازی، بی تا: ۶/۲۱۳)

۱-۲-۳. دسته سوم: استشهاد به روایت به همراه برخی احادیث توصیف پیامبر اکرم (ص)

این منابع، ضمن شرح اوصاف و ارج نهادن به مقام والای پیامبر (ص) ایشان را برتر و بالاتر از همه پیامبران الهی قرار داده و به عنوان استناد یا استشهاد به این امر در ضمن ارائه برخی از احادیث وصفیه به این حدیث نیز اشاره می‌کند:

وقال بعض العارفين بالله تعالی. وبهذا یتبین لک سیاده محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم علی جمیع الأنبیاء (والمرسلین من) قوله صلی الله علیه وسلم: «أنا سید ولد آدم ولا فخر»، وفی روایه مسلم: «أنا سید الناس یوم القيامة»، فثبت له السیاده والشرف علی أبناء جنسه من البشر، وقال صلی الله علیه وسلم: «کنت نبیا و آدم بین الماء والطين...». (مقریزی، ۱۹۹۹م/۱۴۲۰ق: ۳/ ۱۱۸-۱۲۱؛ برسی، ۱۴۱۹ق/ ۱۹۹۹م: ۱۸۳-۱۸۵)

۱-۲-۴. دسته چهارم: رد مضمون روایت و ساختگی دانستن آن

این دسته از منابع به لحاظ تعداد احادیث مندرج در آن، جزو کمترین آمار به شمار می‌رود. این منابع با تردید در مضمون حدیث، این روایت و روایات مشابه آن را در زمره جعلیات دانسته است. تنها منبعی که روایت مذکور را ساختگی دانسته

الأول فهو سابق عليه لا محاله. (الألوسی، بی تا: ۱۴ / ۴۱)

وقال الحافظ أبو الفرج ابن رجب رحمه الله تعالى في اللطائف: المقصود من هذا الحديث أن نبوه النبي صلى الله عليه وسلم كانت مذكورة معروفة من قبل أن يخلقه الله تعالى ويخرجه إلى دار الدنيا حيا، وأن ذلك كان مكتوبا في أم الكتاب من قبل نفخ الروح في آدم صلى الله عليه وسلم، [...] وقوله في هذا الحديث: «إني عند الله في أم الكتاب» ليس المراد به - والله أعلم - أنه حينئذ كتب في أم الكتاب ختمه للنبين وإنما المراد الإخبار عن كون ذلك مكتوبا في أم الكتاب في ذلك الحال قبل نفخ الروح في آدم وهو أول ما خلق الله تعالى من النوع الإنساني. وجاء في أحاديث أخر أنه في تلك الحالة وجبت له صلى الله عليه وسلم النبوه. وهذه مرتبه ثالثه وهو انتقاله صلى الله عليه وسلم من رتبه العلم والكتابه إلى رتبه الوجود العيني الخارجي. فإنه صلى الله عليه وسلم استخرج من ظهر آدم ونبي فصارت نبوته موجوده في الخارج بعد كونها كانت مكتوبه مقدره في أم الكتاب. (صالحی شامی، ۱۹۹۳م / ۱۴۱۴ق: ۷۷-۸۱)

۳-۱. تحلیل مضمون روایت با اعتقاد ملاصدرا درباره جسمانیه الحدوث بودن نفس

در موضوع حدوث و قدم نفس در بیشینه آثار ملاصدرا بحث‌های فراوانی شده است. پرداختن به این موضوع و اقامه دلیل له یا علیه هر یک از این دو عقیده وظیفه این پژوهش نیست، اما شیوه استفاده نقلی ملاصدرا از روایات این بخش، نیازمند بررسی است. ملاصدرا در کتاب *النفس*

اسفار با طرح مباحث نفس در باب هفتم، دو فصل را به بحث حدوث، قدم و حقیقت نفس اختصاص داده است. در فصل دوم این باب، دلایل و احتجاجات باورمندان به قدم نفس را مطرح و دلایل عقلی بطلان این عقیده را بیان می‌کند. در فصل سوم، با ذکر دلایل باورمندان به قدم نفس، روایت مورد بحث را مطرح می‌کند و ادله دلالت نداشتن روایت مذکور بر قدم نفس را ارائه می‌دهد: واعلم أن المنقول من بعض القدماء كأفلاطون القول بقدم النفوس الانسانية، ويؤيده الحديث المشهور «كنت نبيا و آدم بين الماء والطين» وقوله (ص) «الأرواح جنود مجنده فما تعارف منها ائتلف وما تناكر منها اختلف» ولعله ليس المراد ان النفوس البشريه بحسب هذه التعينات الجزئيه كانت موجوده قبل البدن والا لزم المحالات المذكوره وتعطيل قواها عن الأفعال إذ ليس النفس بما هي نفس الا صوره متعلقه بتدبير البدن لها قوى ومدارك بعضها حيوانيه وبعضها نباتيه بل المراد ان لها كينونه أخرى لمبادئ وجودها في عالم علم الله من الصور المفارقة العقلية وهي المثل الإلهية التي أثبتها أفلاطون ومن قبله فللنفوس الكامله من نوع الانسان أنحاء من الكون بعضها عند الطبيعه وبعضها قبل الطبيعه وبعضها ما بعد الطبيعه على ما عرفه الراسخون في الحكمة المتعاليه وذلك مبنى على ثبوت الأشد والأضعف في الجوهر، وعلى وقوع حركه الاشتداديه في الجواهر الماديه وعلى تحقيق المبادئ والغايات فان نهايات الأشياء هي بداياتها. (ملاصدرا، ۱۹۸۱م: ۳۳۱-۳۳۲)

صدرالمتألهين در این متن با عبارت «کینونه أخرى لمبادئ وجودها في عالم علم الله من الصور المفارقة العقلية وهي المثل الإلهية التي أثبتها

می‌برد^۱ و هر جا که این وجود، بدون جسم از آن یاد می‌شود، واژه «روح» را به کار می‌گیرد. برای نمونه در باب ششم پس از اقامه حجت‌های یازده‌گانه بر تجرد نفس، زمانی که گفتارهای اهل ذوق و عرفان و آیات و روایات وجود روح پیش از بدن و بقای روح پس از مرگ مطرح می‌شود، عموماً از واژه «روح» و کمتر از «نفس» استفاده می‌کند، اما چگونگی پیوند میان این دو وجود در نگاه ملاصدرا مبهم است. این در حالی است که مضمون این روایت آشکارا باور ملاصدرا در جسمانیة الحدوث بودن نفس را مخدوش می‌کند. صدرالمتألهین شیرازی در برخورد با روایاتی که مضمون قدم نفس در آن نهفته است، موضعی روشن ندارد و در پاره‌ای موارد رفتاری دوگانه از او سر می‌زند.

۲. حدیث دوم: «الأرواح جنود مجنده فما تعارف

منها ائتلف وما تناكر منها اختلف»

این روایت در دو موضع کتاب النفس آمده است. در هر دو مورد در بحث حدوث و قدم نفس انسانی به عنوان یک شاهد خلاف در بحث جسمانیة الحدوث بودن نفس و همراه با روایت «كنت نبيا وأدم بين الماء والطين» و «خلق الله الأرواح قبل الأجساد بألفي عام» مطرح شده است. نخستین بار در فصل دوم از باب هفتم در ضمن نقل از افلاطون در خصوص قدم نفوس انسانی این دو روایت نیز نقل و توضیحات ملاصدرا در دلالت

افلاطون»، وجودها را به مُثُل افلاطونی نسبت می‌دهد. همچنین می‌افزاید که نفوس کامل انسانی به حسب شدت و ضعف جوهری سه نحوه وجود دارند: پیش از طبیعت، حین طبیعت و پس از طبیعت. بنابراین، ملاصدرا وجود پیامبر (ص) پیش از شکل گرفتن جسم ایشان را نفس نمی‌داند؛ زیرا نفس چیزی جز صورتی که بدن را تدبیر می‌کند، نیست که برخی از قوای آن حیوانی و برخی نباتی است. با چنین ویژگی‌ای که ملاصدرا برای نفس انسانی می‌آورد، بر پایه مضمون این روایت چه نسبتی میان «کینونه اخری» (تعبیری که ملاصدرا برای وجود پیامبر (ص) پیش از تشکیل جسم می‌نامد) و نفس ایشان است؟ آیا باید آن دو را دو وجود مستقل از یکدیگر تلقی کنیم؟ یا آنکه به گفته ملاصدرا همان کینونه اخری در یک مرتبه وجودی بنا به حرکت جوهری با تشکیل جسم به نفس تبدیل می‌شود؟

با نظر به محتوای این بخش از اسفار می‌توان فهمید که ملاصدرا به وجود روح پیش از تشکیل بدن باور دارد، ولی با نام نفس از آن یاد نمی‌کند. او اصطلاح «نفس» را زمانی به کار می‌برد که بدن تشکیل می‌شود و تدبیر امور توسط وجودی - که با تعبیر وی «نفس» است - انجام می‌گیرد. او هر آنچه که در آیات و روایات یا سخنان فلاسفه با عنوان وجود پیش از تشکیل جسم یاد می‌شود را با تعبیر «روح» می‌آورد و در توضیح این روایت و دیگر روایات از آن به عنوان «کینونه اخری» نام می‌برد.

شاهد آنکه در کتاب النفس اسفار هر جا سخن از وجود همراه با جسم است که تدبیر قوای جسمانی به عهده اوست، کلمه «نفس» را به کار

۱. برای نمونه در باب ششم در بیان تجرد نفس ناطقه چنین کرده است.

نداشتن روایت بر قدم نفس، ذکر شده است. (همان: ۹/ ۳۳۱-۳۳۲)

جای دوم در همان فصل در ادامه مباحث حدوث و قدم پس از اقامه حجت چهارم بر جسمانیة الحدوث بودن نفس نزد سهروردی، تزییفات علامه شیرازی^۱ را طرح و پاسخ می‌دهد و دو روایت مذکور را به عنوان شاهدِ خلاف نقل می‌کند. (همان: ۹/ ۳۷۲-۳۷۳)

بر پایه آمارِ نرم‌افزار کتابخانه اهل بیت، این روایت و مشابهات آن بیش از ۳۰۰ بار در کتب مختلف حدیثی شیعه و اهل سنت نقل شده است. این آمار علاوه بر نشان دادن اهمیت موضوع آن، ما را با طیف نسبتاً وسیعی از مشابهات لفظی و مضمونی روبه‌رو می‌کند. قالب کلی این روایت با مشابهات لفظی آن تقریباً یکسان است و تفاوت آنها در جابه‌جایی و یا کم و زیاد شدن برخی کلمات و عبارات است. (اهوازی، ۱۴۰۴ق: ۳۹؛ صدوق، الامالی، ۲۰۹؛ نیشابوری، بی‌تا: ۸/ ۴۱-۴۲) مشابهات مضمونی این روایت بیشتر در حوزه احادیث مربوط به قدم نفس است که از جمله مهم‌ترین آنها حدیث «خلق الله الارواح قبل الاجساد بألفی عام» است و روایات دیگر، ترکیبی از مضامین این روایت و روایت مورد بررسی ما است. (صدوق، ۱۹۹۳م/۱۴۱۴ق: ۴۸-۴۹؛ همو، علل الشرائع، ۱/ ۸۴)

۲-۱. اعتبارسنجی روایت در منابع شیعه و اهل سنت درباره اعتبار این روایت، به دلیل فراوانی منابع موجود، تنها به اسناد و مدارک درجه اول به ترتیب اهمیت و قدمت می‌پردازیم.

الف) منابع شیعه

این روایت در چهار کتاب شیخ صدوق: *الأمالی*، *الاعتقادات فی دین الإمامیه*، *علل الشرائع و من لا یحضره الفقیه* نقل شده است. در دو مورد سند با سلسله روایات متفاوت آمده است که هر دو را در اینجا می‌آوریم:

حدثنا أبی (رحمه الله)، قال: حدثنا سعد بن عبد الله، قال: حدثنا یعقوب بن یزید، قال: حدثنی بعض أصحابنا، عن زکریا بن یحیی، عن معاویة بن عمار، عن أبی جعفر، قال: ... (صدوق، الامالی، ۱۴۱۷ق: ۲۰۹)

۱. أبی رحمه الله قال: حدثنا سعد بن عبد الله، عن محمد بن الحسين بن أبی الخطاب، عن جعفر بن بشیر، عن الحسين بن أبی العلاء، عن حبيب قال: حدثنی الثقه، عن أبی عبد الله (ع) قال: «إن الله تبارک وتعالی أخذ میثاق العباد وهم أظله قبل المیلاد، فما تعارف من الأرواح أیتلف، وما تناکر منها اختلف».

۲. وبهذا الاسناد، عن حبيب، عن عمن رواه، عن أبی عبد الله (ع) قال: ... (صدوق، علل الشرائع، ۱۳۸۵ق/ ۱۹۶۶م: ۱/ ۸۴-۸۵)

این روایت در *بحارالانوار* بیش از ۳۰ بار با الفاظ نسبتاً یکسان تکرار شده است که در برخی موارد با سند نقل شده است. در برخی نقل‌ها همان اسناد کتب شیخ صدوق آمده است، ولی برخی

۱. قطب‌الدین محمود بن مسعود بن مصلح کازرونی معروف به قطب‌الدین شیرازی، پس از سهروردی و پیش از ملاصدرا بوده است و یکی از شارحان حکمت اشراق سهروردی است. ملاصدرا از او به اختصار با عنوان علامه شیرازی نام می‌برد.

دیگر سند مستقل دارد. (مجلسی، ۱۹۸۳/م ۱۴۰۳ق: ۱۳۵/۵۸)

در دیگر کتب معتبر و نیمه معتبر شیعه از جمله عوالی اللثالی، مصباح الشریعه، امالی شیخ طوسی، مستدرک سفینه البحار و کتاب‌هایی از این دست، این روایت با سند نقل شده است. در هیچ یک از این منابع به اسناد روایت اشکالی گرفته نشده است و به نظر می‌رسد عموم اندیشه‌وران حدیث شیعه نسبت به صحت صدور آن از معصوم اتفاق نظر دارند.

ب) منابع اهل سنت

این روایت در گستره وسیع‌تری از منابع شیعی، در کتب حدیثی و رجالی اهل سنت نقل شده است. برای نمونه در چهار کتاب از کتب شش‌گانه اهل سنت یعنی: مسند احمد، صحیح مسلم، صحیح بخاری و سنن ابی داوود این روایت با سند نقل شده است. در بسیاری دیگر از منابع حدیثی و رجالی از جمله مستدرک حاکم نیشابوری، مسند ابی یعلی، صحیح ابن حبان، الأدب المفرد و منابعی از این دست، این حدیث فراوان گزارش شده است. در منابع تاریخ، سیره و رجال نیز به این روایت پرداخته شده است؛ برای نمونه در تاریخ مدینه دمشق بیش از ده بار این روایت تکرار شده است. بر پایه ملاک اعتبار احادیث در نگاه اهل سنت، صرف نقل روایت در یکی از صحیحین (صحیح مسلم یا صحیح بخاری) برای پذیرش آن کافی است. از این رو، با توجه به نقل روایت در هر دو منبع مذکور (ابن حنبل، بی تا: ۲ / ۵۲۷؛ نیشابوری، بی تا: ۸ / ۴۱-۴۲)، این روایت نزد اهل سنت از اعتبار و صحت صدور برخوردار است.

۲-۲. بررسی مضمون روایت

ملاصدرا دلالت این روایت بر قدم نفس را به همراه دو روایت «خلق الله الأرواح قبل الأجساد بألفی عام» و «كنت نبیا وأدم بین الماء والطين» در اسفار به عنوان قوی‌ترین ادله نقلی بر قدم نفس انسانی، نقل و نقد می‌کند. به نظر می‌رسد به لحاظ مضمونی دلالت حدیث «خلق الله الأرواح قبل الأجساد بألفی عام» بر قدم نفس قوی‌ترین و پس از آن «كنت نبیا وأدم بین الماء والطين» و در نهایت «الأرواح جنود مجنده فما تعارف منها ائتلف و ما تناكر منها اختلف» ضعیف‌ترین دلالت بر قدم نفس را دارا است.

۲-۳. مشخصه‌های این روایت نسبت به سایر روایات هم‌عرض

الف) قوت سند و اعتبار

این روایت برخلاف روایت «خلق الله الأرواح قبل الأجساد» و «كنت نبیا و آدم بین الماء و الطین» در نگاه اندیشمندان حدیث شیعه و اهل سنت اسناد و مدارک معتبر دارد، ولی دو روایت دیگر به ویژه روایت «خلق الله الأرواح قبل الأجساد بألفی عام» را بسیاری از محدثان اهل سنت بر ساخته دانسته‌اند؛ هرچند اشکال اهل سنت ناظر به مضمون روایت نیست، بلکه به دلیل ذیلی است که در مدح اهل بیت و امام علی (ع) دارد. به هر حال تفاوت عمده این روایت نسبت به دو روایت و بسیاری دیگر از روایات مندرج در اسفار، قوت سند و اعتبار صدور آن از معصوم است.

ب) ضعف دلالت مضمون روایت بر قدم نفس

برخلاف دو روایت پیشین که دلالت مضمون آنها

بر قدم نفس، کاملاً روشن بود، دلالت مضمون این حدیث برای اثبات قدم نفس، پیچیده و مبهم است. البته این ابهام در مجموع به نفع دیدگاه ملاصدرا در رد قدم نفس است، ولی او در توضیحات خود برای این سه روایت به این ابهام توجه ندارد و تنها به رد مدلول آن می‌اندیشد.

ملاصدرا در سفر دو مرتبه این روایت را نقل کرده است. یک بار به طور کامل با عبارت: «الأرواح جنود مجنده فما تعارف منها ائتلف وما تناكر منها اختلف» و بار دیگر با اختصار: «الأرواح جنود مجنده فما تعارف الحديث [الی آخر الحديث]». هیچ یک از این دو نقل به تنهایی بر قدم نفس دلالت نمی‌کند؛ زیرا به گفته ملاصدرا ممکن است این ارواح در حالی که نفس بدن را تدبیر می‌کند و قوای نباتی و حیوانی دارد، همدیگر را می‌شناسند و با هم ائتلاف می‌کنند و یا اختلاف دارند و از هم جدا می‌شوند. به دیگر سخن، این جنود، نفوس انسانی هستند که با هم تعارف و تناکر دارند و مختلف و مختلف می‌شوند. با این تفسیر نیازی به وجود دنیایی پیش از آفرینش بدن برای ائتلاف و اختلاف آنها نیست، بلکه در همین دنیا نفوس می‌توانند با هم تعارف و تناکر داشته باشند.

اما هنوز این پرسش باقی است که چرا ملاصدرا این روایت را در شمار روایات قدم نفس انسان آورده است؟ بی‌تردید دلیل این نگاه، در مشابهات این روایت و صدر و ذیل برخی از آنها نهفته است. دقت در روایات مشابه لفظی به روشنی پاسخ را نمایان می‌سازد. متن کامل برخی از مشابهات لفظی این روایت به قرار زیر است:

إن العباد إذا ناموا خرجت أرواحهم إلى السماء، فما رأَت الروح في السماء فهو الحق، وما رأَت في الهواء فهو الأضغاث، ألا وإن الأرواح جنود مجنده فما تعارف منها ائتلف، وما تناكر منها اختلف، فإذا كانت الروح في السماء تعارف وتباغضت، فإذا تعارف في السماء تعارف في الأرض، وإذا تباغضت في السماء تباغضت في الأرض. (صدق، الامالی، ۱۴۱۷ق: ۲۰)

به احتمال زیاد صدر المتألهین و دیگرانی که این روایت را در شمار روایات دال بر قدم نفس آورده‌اند، به هنگام مراجعه به منابع حدیثی و مشاهده نقل‌های این چنینی، این روایت را جزو روایات قدم نفس به شمار آورده‌اند.

اما در مقابل، برخی روایات یا به وجود روح پیش از بدن نپرداخته است و یا بر همراهی روح و جسد پس از تشکیل بدن دلالت دارد. این مضامین ما را به دلالت نداشتن روایات بر قدم نفس راهنمایی می‌کند. نمونه زیر گواه این ادعا است:

وعن أبي عبد الله عليه السلام قال: الأرواح جنود مجنده تلتقى فتتشم كما تتشم الخيل، فما تعارف منها ائتلف، وما تناكر منها اختلف، ولو أن مؤمنا جاء إلى مسجد فيه أناس كثير ليس فيهم إلا مؤمن واحد لمالت روحه إلى ذلك المؤمن حتى يجلس إليه. (اهوازی، ۱۴۰۴ق: ۳۹)

کوتاه سخن آنکه، با وجود اختلافات در نقل، دلالت این روایت بر قدم نفس انسانی به قوت سند و اعتبار صدور آن از معصوم نیست. بنابراین، تلاش ملاصدرا برای توجیه مضمون آن با استدلال‌های کم‌فروغ برای اثبات این مدعا که جسمانیه الحدوث بودن نفس از طریق این روایت نقض نمی‌شود چندان نیاز نبوده است.

۳. حدیث سوم: «خلق الله الارواح قبل الاجسام

بألفی عام»

این روایت در کتاب النفس اسفار در دو جا و دو موضوع متفاوت نقل و استفاده شده است. این روایت در یک جا برای اثبات تجرد نفس نقل شده است. البته دلالت آن بر تجرد نفس بر خلاف برخی دیگر از روایات نقل شده در این گروه، مانند «ابیت عند ربی یطمعمنی ویسقینی» و «لی مع الله وقت لا یسعی ملک مقرب و لا نبی مرسل» روشن تر به نظر می رسد. (ملاصدرا، ۱۹۸۱م: ۹/۳۰۷-۳۰۵) در جایی دیگر در بحث حدوث و قدم نفس، ملاصدرا در بطلان عقیده به قدم نفس انسانی این حدیث را به عنوان یکی از شواهد مخالفان بیان می دارد. (همان: ۹/۳۷۲-۳۷۳)

۳-۱. اختلافات نقلی و لفظی

روایات مشابهی که در این خصوص از منابع حدیثی نقل شده است، دارای الفاظ و مضامین تقریباً یکسانی است، جز آنکه در برخی نقل ها در ادامه روایت عباراتی بیان شده که در بخش بررسی سندی به تفصیل بررسی خواهد شد. همچنین این روایت با چند لفظ مختلف نقل شده است:

[...] أن الأرواح خلقت قبل الأجسام بألفی عام.

(حلی، ۱۴۲۴ق/۱۳۸۲ش: ۱۹)

[...] إن الله تعالى خلق الأرواح قبل الأجسام بألفی عام فأسكنها الهواء. فما تعارف هناك، إئتلف هاهنا، وما تناكر هناك اختلف هاهنا. (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۹ق: ۴/۲۱۴)

افزون بر اختلافات نقلی و لفظی برخی اختلاف ها در عبارات ادامه روایت نیز در منابع

دیده می شود:

۱. در برخی منابع حدیثی شیعی در ادامه این روایت عباراتی در تأیید امام علی (ع)، اهل بیت و ائمه نقل شده است:

... إن الله تبارك وتعالى خلق الأرواح قبل الأجساد بألفی عام، فجعل أعلاها وأشرفها أرواح محمد وعلی و فاطمه والحسن والحسين والأئمة بعدهم صلوات الله عليهم، فعرضها على السماوات والأرض والجبال فغشها نورهم. [...] (مجلسی، ۱۹۸۳م/۱۴۰۳ق: ۲۶/۳۲۰-۳۲۳)

... إن الله عز وجل خلق الأرواح قبل الأجسام بألفی عام، وعلقها بالعرش وأمرها بالتسليم علی والطاعة لی، وكان أول من سلم علی وأطاعنی من الرجال روح علی بن أبی طالب علیه السلام. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۴۰/۴۱-۴۲)

۲. در برخی نقل ها به جای عبارات فوق عبارتی مشابه حدیث «الارواح جنود مجنده فما تعارف منها ائتلف و ما تناكر منها اختلف» نقل شده است:

العلوی (علیه السلام): إن الله تعالى خلق الأرواح قبل الأجساد بألفی عام فأسكنها الهواء. فما تعارف هناك، إئتلف هاهنا، وما تناكر هناك اختلف هاهنا. (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۹ق: ۴/۲۱۴)

۳-۲. اعتبارسنجی روایت در نگاه شیعه و اهل سنت
این روایت در گستره وسیعی از منابع حدیثی شیعه و اهل سنت نقل و نقد شده است. سند این روایت نیز در منابع مختلف نقل شده است. در اینجا در دو بخش سندی و مضمونی اعتبار این روایت بررسی می شود.

۳-۲-۱. بررسی سند روایت

در منابع حدیثی شیعی به دو سلسله سند اشاره شده است که هر دو در بحارالانوار موجود است: یکی از این اسناد از شیخ مفید و دیگری از معانی الاخبار نقل شده است که به یکی از آنها اشاره می‌شود:

الجعابی، عن محمد بن القاسم المحاربی، عن إسماعیل بن إسحاق عن محمد بن الحارث، عن إبراهيم بن محمد، عن مسلم بن الأعمور، عن حبه العرنی عن أبي الهيثم بن التيهان قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ... (مجلسی، ۱۹۸۳/م/۱۴۰۳ق: ۴۰/۴۱-۴۲)

منابع حدیثی شیعه درباره سند این حدیث قضاوت رجالی نکرده‌اند، جز آنکه شیخ مفید در المسائل السرویه در خصوص کل سند - نه تک تک راویان - توضیحی کوتاه داده است و علامه مجلسی در بحار به این نقل شیخ اشاره کرده است. در منابع رجالی اهل سنت در کتاب الموضوعات درباره سند این روایت چنین آمده است:

... هذا حدیث موضوع. قال الأزدی: عبد الله بن أيوب وأبوه كذابان لا تحل الروایه عنهما. (ابن جوزی، ۱۹۶۶/م/۱۳۸۶ق: ۱/۴۰۱)

عجلونی در كشف الخفاء به اسناد این روایت خدشه وارد کرده (عجلونی، ۱۹۸۸/م/۱۴۰۸ق: ۱/ ۲۲۸-۲۲۹) و ابن حجر به شدت به راویان این روایت حمله کرده است. (ابن حجر عسقلانی، ۱۹۷۱/م/۱۳۹۰ق: ۳/۲۶۱-۲۶۲)

۳-۲-۲. بررسی مضمون روایت

بررسی مضمون این روایت نیز از چشم محدثان شیعه و اهل سنت دور نمانده است. صاحب

بحارالانوار نگاه دوگانه‌ای به این روایت دارد. علامه مجلسی در یک‌جا به نقل از شیخ مفید مضمون روایت را رد کرده است (مجلسی، ۱۶/ ۲۵۲) و در بیشتر موارد این کتاب، آن‌گونه که در بخش اختلافات نقلی آمد، در ادامه روایت عباراتی در تأیید امام علی (ع) و اهل بیت آمده است.

شیخ مفید در تصحیح اعتقادات الامامیه این روایت را به دلیل اینکه مضمون تناسخ در آن نهفته است رد کرده و همانند ملاصدرا به جسمانیه الحدوث بودن نفس باور دارد. (مفید، ۱۹۹۳/م/۱۴۱۴ق: ۸۱) عین عبارات شیخ مفید به نقل از همین منبع در بحارالانوار نیز آمده است. (مجلسی، ۱۹۸۳/م/۱۴۰۳ق: ۱۶/۲۵۲) در دیگر منابع حدیثی و غیر حدیثی شیعی ظاهراً یا تلویحاً نسبت به مضمون این روایت نقدی دیده نمی‌شود. (کجوری، ۱۳۸۰ش: ۱/۳۷۷-۳۷۸)

به نظر می‌رسد محدثان اهل سنت با تکیه بر بررسی‌های سندی، روایت را رد کرده‌اند. شاید انکار آنان تنها به دلیل دنباله روایت که در مدح امام علی آمده است بوده باشد، ولی مدرکی وجود ندارد که بتوان دلیل این کار را نگاه مذهبی و فرقه‌ای دانست. با این همه در خصوص مضمون این روایت در منابع اهل سنت بحث و بررسی به چشم نمی‌خورد و ایشان به این روایت نپرداخته‌اند.

۳-۲-۳. جمع‌بندی بررسی‌های اعتباری

نظر به بررسی‌های سندی و مضمونی در منابع شیعه و اهل سنت، چنین می‌نماید که اشکال اهل سنت به این روایت بیشتر ناظر به بخش دوم آن است که در توصیف امام علی و اهل بیت (ع)

این روایت آن را در اثبات تجرد نفس به عنوان شاهد نقلی ذکر می‌کند و در جایی دیگر در بحث حدوث و قدم نفس با همین فرض، مضمون آن را رد می‌کند که بالطبع این برخورد منطقی نیست. دلیل این برخورد، دلالت مستقیم مضمون این روایت هم بر تجرد نفس و هم بر قدم نفس است که یکی موافق دیدگاه علمی ملاصدرا و دیگری مخالف آن است. صدرالمتألهین در این موضوع به روایات دیگری از جمله حدیث: «الأرواح جنود مجنده فما تعارف منها ائتلف وما تناكر منها اختلف» استناد کرده است که دلالت آن به روشنی این روایت نیست.

ملاصدرا در ادامه بحث‌های حدوث و قدم نفس، برخی دلالت‌ها را به مباحث لغوی و بلاغی مربوط می‌داند و بر این باور است که عبارت قیدی «بالفی عام» برای درک بهتر روایت از سوی مردم عوام است و گرنه نفس قبلیتی (وجودی) پیش از بدن ندارد. (همان: ۹/ ۳۷۲-۳۷۳)

پیش‌تر در بررسی روایت «كنت نبياً وأدم بين الماء و الطين» گفته آمد که ملاصدرا هنگام بیان همراهی وجودی مجرد همراه با نفس عموماً از لفظ «نفس» و هنگام طرح این وجود جدا از بدن عموماً از لفظ «روح» استفاده می‌کند؛ در اینجا نیز برای اثبات اینکه این وجود پیش از بدن نمی‌تواند خلق شده باشد، واژه نفس را به کار می‌گیرد و برای توجیه مضمون این روایت این مطلب را متذکر می‌شود که لفظ «بالفی عام» برای نزدیکی به فهم عوام است و گرنه نفس بر بدن پیشی ندارد. صدرالمتألهین در خصوص دلالت روایت «كنت نبياً وأدم بين الماء و الطين» بر وجود نفس

است و تنها در منابع شیعی نقل شده است. ملاصدرا در اسفار بخش نخست روایت؛ یعنی عبارت «خلق الله الأرواح قبل الأجساد بالفی عام» را شاهد می‌گیرد. این بخش روایت یک بحث اعتقادی - نه فرقه‌ای و مذهبی - است و نقد مدلولات، لوازم و پیش‌نیازهای مدلولی این روایت برای فهم آن راهگشاست.

۳-۳. تحلیل مضمون و مدلول روایت

پیش‌تر گفته آمد که ملاصدرا از این روایت در دو جا استفاده کرده است: یکی در بحث تجرد نفس و دیگری در بحث حدوث و قدم نفس. در بحث تجرد نفس مدلول این روایت با موضوع مورد بحث کاملاً هم‌سو است. از این‌رو، صدرالمتألهین توضیح اضافی در این باره نداده است (ملاصدرا، ۱۹۸۱م: ۹/ ۳۰۵-۳۰۷)، اما در بحث حدوث و قدم نفس برخورد ایشان با این روایت کاملاً متفاوت است.

... وقوله ص خلق الله الأرواح قبل الأجساد بالفی عام وانما قیده بالفی عام تقریباً إلى افهام العوام والا فلیست قبلیة النفس علی البدن متقدرة ومحدودة بل هی غیر متناهیة لقدمها وحدوثه انتهى قوله. (همان: ۹/ ۳۷۲-۳۷۳)

او برخورد دوگانه خود را با این روایت این‌گونه توجیه می‌کند:

وانما قیده بالفی عام تقریباً إلى افهام العوام والا فلیست قبلیة النفس علی البدن متقدرة ومحدودة بل هی غیر متناهیة لقدمها وحدوثه انتهى قوله. (همان: ۹/ ۳۷۲-۳۷۳)

صدرالمتألهین با فرض پذیرش اعتبار و مدلول

قوی‌ترین ادله نقلی بر خلاف عقیده ایشان در جسمانیه الحدوث بودن نفس است.

بحث و نتیجه‌گیری

۱. افزون بر روایات مورد استشهاد ملاصدرا در حدوث و قدم نفس که می‌کوشد تا مضمون آنها را به مدلولی غیر از قدم نفس نسبت دهد، احادیث و آیات متنوع دیگری خلاف عقیده ملاصدرا در جسمانیه الحدوث بودن نفس را اثبات می‌کند؛ از جمله آیات و روایاتی که به عالم ذر، هبوط و مضامینی از این دست اشاره دارد. به برخی از این آیات و روایات در همین بخش /سفر اشاره شده است.

۲. با اینکه ملاصدرا در دیگر مباحث فلسفی در /سفر شواهدی از آیات قرآن کریم و روایات معصومان را ذکر می‌کند، در این مبحث هیچ‌گونه شاهد نقلی که عقیده ملاصدرا را در جسمانیه الحدوث بودن نفس تأیید کند دیده نمی‌شود، بلکه وی تنها به نقل روایاتی می‌پردازد که مضمون آنها بر خلاف عقیده خود، راجع به قدم نفس است.

۳. در توضیحات و تحلیل‌های ملاصدرا برای این‌گونه شواهد نقلی، تلاشی قابل دفاع برای جمع میان عقیده وی به جسمانی بودن حدوث نفس و آیات و روایات دال بر قدم نفس انسانی پیش از تشکیل بدن دیده نمی‌شود.

۴. نتیجه ارزیابی کلی سه روایت مورد استشهاد ملاصدرا به قرار زیر است:

پیامبر (ص) پیش از آفرینش جسمانی از تعبیر «کینونهُ اُخْرَى» و «مُتَّلُ افلاطونی» بهره می‌برد، ولی در این روایت از این تعبیر استفاده نمی‌کند، این بدان معناست که مضمون حدیث چنان روشن و واضح است که آوردن چنین تعبیری چاره‌ساز نیست؛ حال آنکه مدلول اصلی این حدیث ذکر این مطلب نیست که دقیقاً چند سال پیش از خلق بدن، روح خلق شده است، بلکه مدلول اصلی همان پیشینی بودن خلق نفس یا روح بر بدن است که ملاصدرا در تفسیر این روایت منکر آن شده است.

در مباحث تجرد نفس ملاصدرا از آنجا که مضمون این روایت را موافق دیدگاه خود می‌بیند، اعتراضی این چنینی مطرح نمی‌کند، اما همین روایت در بحث حدوث و قدم نفس، مخالف با دیدگاه ملاصدرا در جسمانیه الحدوث بودن نفس است و همین سبب می‌شود او به دلالت آن بر عدم جسمانیه الحدوث بودن نفس معترض شود. اگر طبق مضمون روایت، ثابت شود که نفس فارغ از علائق جسمانی و مادی است این فراغت زمانی محقق می‌شود که ثابت شود آفرینش آن پیش از آفرینش جسم مادی است.

به هر روی از آنجا که این روایت در هر دو مبحث تجرد نفس و حدوث و قدم نفس به کار رفته است دوگانگی برخورد و تناقض در پذیرفتن هر دو مدلول آشکار است و با آنکه ملاصدرا مضمون این روایت را نقل و نقد می‌کند، یکی از

دلالیت بر حدوث نفس (جسمانی بودن حدوث)	دلالیت بر قدم نفس	ضعف سند و اعتبار		قوت سند و اعتبار		ویژگی روایت
		رَدِّ	قُوَّة	رَدِّ	قُوَّة	
—	√	—	—	√	√ (به جز الرواشح السماویه)	كنت نبياً وآدم بين الماء والطين
—	√	√	اختلاف میان محدثین	—	اختلاف میان محدثین	خلق الله الأرواح قبل الأجسام بألفى عام
—	√	—	—	√	√	الأرواح جنود مجنده ...

منابع

برسی، رجب بن محمد بن رجب (۱۴۱۹ق/ ۱۹۹۹م). مشارق أنوار الیقین. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات. چاپ اول.

حلی، حسن بن سلیمان (۱۴۲۴ق/۱۳۸۲ش). المحتضر. بی‌جا: انتشارات المكتبه الحیدریه.

رازی، فخرالدین (بی‌تا). تفسیر الرازی (مفاتیح الغیب). بی‌جا: بی‌نا. چاپ دوم.

صالحی شامی، محمد بن یوسف (۱۹۹۳م/ ۱۴۱۴ق). سبل الهدی و الرشاد. بیروت: دار الکتب العلمیه. چاپ اول.

صدوق، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین ابن موسی بن بابویه القمی (۱۹۹۳م/۱۴۱۴ق). الاعتقادات فی دین الإمامیه. بیروت: دار المفید للطباعه والنشر والتوزیع. چاپ دوم.

_____ (۱۴۱۷ق). الأملی. قم: مرکز الطباعه والنشر فی مؤسسه البعته. چاپ اول.

_____ (۱۳۸۵ق/ ۱۹۶۶م). علل الشرائع. نجف اشرف: منشورات المكتبه الحیدریه ومطبعته.

الأوسی، شهاب‌الدین محمود بن عبد الله الحسینی (بی‌تا). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. بی‌جا: بی‌نا.

ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی (۱۹۶۶م/۱۳۸۶ق). الموضوعات. المدینه المنوره: المكتبه السلفیه. چاپ اول.

ابن حجر عسقلانی، ابوالفضل شهاب‌الدین احمد بن علی بن محمد (۱۹۷۱م/۱۳۹۰ق). لسان المیزان. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات. چاپ دوم.

ابن حنبل، احمد (بی‌تا). مسند احمد. بیروت: دار صادر.

ابن شهر آشوب مازندرانی، ابوجعفر محمد بن علی (۱۳۷۶ق/۱۹۵۶م). مناقب آل ابی طالب. نجف اشرف: المكتبه الحیدریه،

ابن عربی، محیی‌الدین (بی‌تا). الفتوحات المکیه. بیروت: دارصادر.

اهوازی، حسین بن سعید (۱۴۰۴ق). کتاب المؤمن. قم: مدرسه الإمام المهدی. چاپ اول.

- عجلونی، إسماعیل (۱۹۸۸م/۱۴۰۸ق.). کشف الخفاء. بیروت: دار الکتب العلمیه. چاپ سوم.
- علامه امینی، عبدالحسین (۱۳۸۷ق/۱۹۶۷م.). الغدیر. بیروت: دار الکتب العربی. چاپ سوم.
- قیصری رومی، محمد داوود (۱۳۷۵ش.). شرح فصوص الحکم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ اول.
- کجوری، محمد باقر (۱۳۸۰ش.). الخصائص الفاطمیة. مترجم: سیدعلی جمال اشرف. قم: انتشارات الشریف الرضی. چاپ اول.
- مجلسی، محمد باقر (۱۹۸۳م/۱۴۰۳ق.). بحار الأنوار. بیروت: مؤسسه الوفاء. چاپ دوم.
- مفید، محمد بن محمد نعمان (۱۹۹۳م/۱۴۱۴ق.). تصحیح اعتقادات الإمامیه. بیروت: دار المفید للطباعة والنشر والتوزیع. چاپ دوم.
- مقریزی، تقی‌الدین احمد (۱۹۹۹م/۱۴۲۰ق.). إمتاع الأسماع. بیروت: دار الکتب العلمیه. چاپ اول.
- ملاصدرا، محمد صدرالدین شیرازی (۱۹۸۱م.). الحکمه المتعالیه فی الأسفار العقلیه الأربعه. بیروت: دار إحياء التراث العربی. چاپ سوم.
- میرداماد، محمدباقر حسینی استرآبادی (۱۴۲۲ق/۱۳۸۰ش.). الرواشح السماویة. قم: دار الحدیث للطباعة والنشر. چاپ اول.
- نمازی شاهرودی، علی (۱۴۱۹ق.). مستدرک سفینه البحار. قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
- نیشابوری، مسلم بن حجاج (بی‌تا). صحیح مسلم. بیروت: دارالفکر.

COPYRIGHTS



©2022 by the Authors. Licensee PNU, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY4.0) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>)